

دکتر محمد حسن بردبار
وکیل دادگستری



ماهیت، خصوصیت و جایگاه

دیوان دآوری دعاوی ایران و ایالات متحده

بخش دوم

دوم: بازگرداندن دارائی‌های ایران

۵- بیانیه‌های الجزایر که حاصل مذاکرات بسیار پیچیده‌ای که حداقل پنج دولت، چهار بانک مرکزی، دوازده بانک بزرگ امریکایی، اشخاص خصوصاً مختلف، و صدها کارمند و مترجم که در چهار قاره مشغول فعالیت بودند،^(۱) در آن مشارکت داشتند و باعث آزاد شدن و انتقال دارایی‌های بلوکه شده ایران گردید. دولت امریکا در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ اموال و دارایی‌های ایران را در امریکا مسدود نموده بود.^(۲) این عمل ظاهراً به عنوان عکس‌العملی در برابر تسخیر سفارت آن کشور در تهران صورت گرفت^(۳) ولی دلایل بسیاری وجود دارد که ثابت می‌کند این عمل نظیر برخی اقدامات دیگر دولت امریکا، در واقع واکنشی نسبت به انقلاب اسلامی ایران بود که قصد پایان بخشیدن به مداخلات و تأثیرات امریکا در ایران از طریق کاهش سطح روابط سیاسی و همچنین روابط تجاری و مالی خود با آن کشور را داشت.^(۴)

بسیاری از مؤلفین تلاش کرده‌اند که موضوع انسداد دارایی‌های ایران توسط دولت ایالات متحده را به اختلافات بین ایران و امریکا بر سر گروگانهای امریکایی ارتباط دهند.^(۵) حال آنکه وزیر وقت خزانه‌داری امریکا، میلر چنین ارتباطی را تکذیب نموده بود.^(۶) نامبرده طی مصاحبه‌ای در نوامبر ۱۹۷۹ تأکید کرد که دستور بلوکه شدن دارایی‌های رسمی ایران هنگامی صادر شد که ایران اعلام نمود قصد خارج نمودن همه پولهای خود از بانکهای امریکایی و شعب خارجی آنها را دارد. وی همچنین اظهار داشت که مقصود از انسداد دارایی‌ها، برقراری تضمینی به نفع بستانکاران امریکایی بود تا بتوانند مبلغ ادعاهای خود علیه دولت ایران را از آن دارایی‌ها استیفاء نمایند.^(۷)

در کنار دو نظر یادشده، این واقعیت نسبتاً روشن را هم نباید از نظر دور داشت که دولت ایالات متحده از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تصمیم گرفته بود که به عنوان یک

وسيلة فشار بر دولت ایران، دارایی‌های ایران را مسدود کند.^(۸)

جایی که دولت ایالات متحده، قصد ایران برای بیرون کشیدن دارایی‌های خود از امریکا به عنوان تهدیدی غیرعادی و فوق‌العاده... برای امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد^(۹) آن کشور می‌دانست، چگونه می‌شد انتظار داشت که ایران، انسداد دارایی‌هایش را آن هم در زمانی کمتر از یکسال پس از پیروزی انقلاب و درست هنگامی که با مشکلات بسیار زیاد بعد از انقلاب و کمبود منابع مالی روبه رو بود، تهدیدی علیه امنیت ملی خود تلقی نکند و آن را نوعی ادامه اعمال خصمانه دولت امریکا به منظور سرنگونی رژیم جدید محصول انقلاب مردم نداند؟

دستور انسداد دارایی به عنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار اقتصادی به یک دولت^(۱۰) امری بی سابقه نبود. دولت ایالات متحده سابقاً نیز در سال ۱۹۵۰ اموال جمهوری خلق چین و کره شمالی و در سال

۱۹۶۳ اموال کیوبا و پس از آن هم اموال کامبوج و ویتنام را مسدود نموده بود.^(۱۱) ایران هم دومین بار بود که با انسداد اموال روبه رو می‌باشد. یک بار دیگر نیز در زمان جنبش ملی شدن نفت ایران، گفته شده که دولت اتحاد شوروی، طلاهای ایران را بلوکه نموده و تقاضای دولت ایران برای بازگرداندن آنها را رد کرد.^(۱۲)

۶- در چارچوب بیانیه‌های الجزایر، طرفین توافق کردند که حسابی امانی در یک بانک مرکزی مورد قبول طرفین،^(۱۳) افتتاح نمایند تا بانک مذکور به عنوان نماینده حساب امانی عمل کند.^(۱۴) ایالات متحده تعهد نمود که کلیه طلاهای

متعلق به ایران و تمامی دارایی‌های دیگر مربوط به ایران را به بانک مورد اشاره منتقل نماید.^(۱۵) دولت آمریکا همچنین متعهد شد که تمام سپرده‌ها و اوراق بهاداری را که در روز ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ یا پس از آن در دفاتر شعبه‌های خارجی بانکهای امریکائی ثبت شده است منتقل نماید.^(۱۶) بیانیه کلی از ایران و ایالات متحده می‌خواست که ظرف ۳۰ روز یک حساب تضمینی بهره‌دار نزد بانک انگلیس افتتاح کند و به ایالات متحده هم ۶ ماه مهلت می‌داد که تمام دارایی‌های ایران نزد مؤسسات بانکی در آمریکا را به بانک انگلیس منتقل نماید.^(۱۷) وقتی که مبالغ مذکور به بانک انگلیس انتقال یافت، بانک مرکزی الجزایر دستور داد که نیمی از آن وجوه به ایران ارسال گردد و نیم دیگر در حساب تضمینی باقی بماند. هنگامی که حساب تضمینی به میزان یک میلیارد دلار رسید. وجوه باقیمانده از شعبه‌های بانکهای امریکایی در داخل آن کشور مستقیماً به ایران منتقل می‌گردید. وجوه حساب تضمینی برای تأمین محکوم به دعاوی علیه ایران طبق مقررات بیانیه حل و فصل دعاوی، اختصاص داده شده بود. ضمناً اگر میزان حساب تضمینی از ۵۰۰ میلیون دلار پایین‌تر می‌آمد، از ایران خواسته می‌شد که با گذاشتن

سپرده کافی، موجودی حساب مذکور را به سطح ۵۰۰ میلیون دلار برساند. ایالات متحده هم تعهد کرد که تمام دارایی‌های دیگر ایران، اعم از وجوه نقد و اوراق بهادار، را که در داخل و خارج آمریکا موجود بود به حساب امانی منتقل نموده و ترتیبات لازم را طبق قوانین قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ آن کشور، برای انتقال تمام اموال ایران که در

دولت ایالات متحده از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تصمیم گرفته بود که به عنوان یک وسیله فشار بر دولت ایران، دارایی‌های ایران را مسدود کند.

ایالات متحده و یا در خارج از آن کشور موجود بوده و در چهارچوب بندهای قبل قرار نمی‌گرفت به ایران بدهد.^(۱۸)

با توجه به مطالب مورد اشاره، دارایی‌های ایران تحت پوشش مقررات بیانیه الجزایر^(۱۹) را می‌توان بدین صورت طبقه‌بندی نمود:

● الف) اوراق بهادار و طلاهای موجود در نزد فدرال رزرو بانک نیویورک.^(۲۰)

● ب) دارایی‌های موجود در نزد شعب خارجی بانکهای امریکا.^(۲۱)

قسمتی از وجوه مذکور برای پرداخت وامهای بانکی، مورد استفاده قرار گرفت و قسمتی دیگر در حساب امانی تا اتمام حل و فصل دعاوی و اختلافات مربوط به وامهای بانکی توسط دیوان داوری نگهداشته شد.

یک قسمت دیگر هم در حساب امانی باقی ماند تا کلیه اختلافات مربوط به میزان سود مورد ادعای بانکها حل و فصل گردد. آن قسمت از وجوه که اختلافی بر سر آن نبود، در ازای رهایی گروگانها به ایران منتقل شد.^(۲۲)

● ج) موجودی ایران نزد شعب بانکهای امریکایی^(۲۳) و سایر دارایی‌های موجود در داخل یا خارج آمریکا نزد اشخاص تابع صلاحیت امریکا.^(۲۴) و^(۲۵)

سوم: تأسیس یک دیوان داوری بین‌المللی

۷- تأسیس یک دیوان داوری بین‌المللی نوین^(۲۶) یعنی دیوان دعاوی ایران- ایالات متحده، برای تصمیم‌گیری درباره اختلافات طرفین و اتباع طرف دیگر،^(۲۷) از دیگر اهداف اسناد الجزایر بود. دیوان داوری،^(۲۸) براساس موافقتنامه دوم، یعنی بیانیه حل و فصل دعاوی^(۲۹) به وجود آمد و چهارچوب اساسی آن را بیانیه مذکور تعریف و تبیین نمود.

در خلال انقلاب اسلامی و پس از آن، دعاوی بسیار زیادی علیه دولت و سازمانهای ایرانی و عمدتاً بر مبنای قرارداد، در دادگاههای امریکا مطرح گردید.^(۳۰) این دعاوی بیشتر به ملی شدن نفت، گاز، معادن، توقیف وسایل و مصادره کارخانه‌ها و همچنین به قراردادهای مربوط به طرح‌های ناتمام ساختمانی و ساخت کالاهای نظامی و غیرنظامی، مربوط می‌شد.^(۳۱) بسیاری از خواهانهای امریکایی توانستند از دادگاههای ایالات متحده قرار توقیف دارایی‌های ایران در امریکا نظیر حسابهای بانکی، آثار هنری، اموال غیرمنقول و باقی مانده حساب ایران^(۳۲) در صندوق خریدهای نظامی خارجی ایران را به دست آورند.^(۳۳)

دولت ایران و سازمانهای وابسته نیز به نوبه خود و به دلیل وجود شرط صلاحیت دادگاههای ایران در برخی قراردادهای تعدادی دعوی علیه شرکتهای امریکایی در دادگاههای ایران اقامه کردند.^(۳۴) همچنین بانک مرکزی ایران چند دعاوی حقوقی در دادگاههای لندن و پاریس^(۳۵) مطرح نمود و ضمن آن تقاضای صدور دستور علیه تصمیم ایالات متحده مبنی بر انسداد سپرده‌های ایران در شعب خارجی بانکهای امریکایی، به عمل آورد.^(۳۶) این دعاوی بعد از انعقاد بیانیه‌های الجزایر متوقف شدند.

پس از توافق طرفین در مورد دایر کردن

دیوان داوری، ایالات متحده تعهد کرد که به کلیه دعاوی امریکایی‌ها علیه ایران و سازمانهای ایرانی مطروحه در دادگاههای امریکا "خاتمه"^(۳۷) دهد.^(۳۸) مجلس شورای اسلامی هم در تاریخ ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۹ (۱۴ ژانویه ۱۹۸۱)، به عنوان یک اقدام مقدماتی داخلی در رابطه با اجرای توافق حاصله بین دو کشور، با تصویب ماده واحده‌ای ارجاع دعاوی بین ایران و ایالات متحده به داوری را مجاز شمرد. اما آن قسمت از دعاوی، ناشی از "قراردادهای تعهدآور فی‌مابین که در آن قراردادها مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران، قرار گرفته بود، مستثنا گردید.^(۳۹) در هر حال طبق مقررات بیانیه‌ها آن بخش از ادعاهای مورد اشاره که ظرف ۶ ماه از تاریخ امضای بیانیه‌ها از طریق مذاکره بین ایران و اتباع ایالات متحده، حل و فصل نگردیدند، به دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده، جهت داوری و اخذ تصمیم تسلیم شدند.

(ب) شکل و ماهیت بیانیه‌ها

۸- برخلاف سایر قراردادهای مربوط به حل و فصل دعاوی، ترتیبات و قرار بین ایران و امریکا مانند یک موافقتنامه معمولی بین‌المللی که مستقیماً بین دو طرف ذی‌نفع منعقد می‌گردد، صورت نیافت، بلکه به صورت دو بیانیه که ابتداً توسط دولت الجزایر اعلام و سپس دو دولت ایران و ایالات متحده به آنها پیوستند شکل گرفت.^(۴۰) این دو بیانیه عبارت بودند از:

۱ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر (بیانیه کلی)

۲ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران (بیانیه حل و فصل دعاوی).

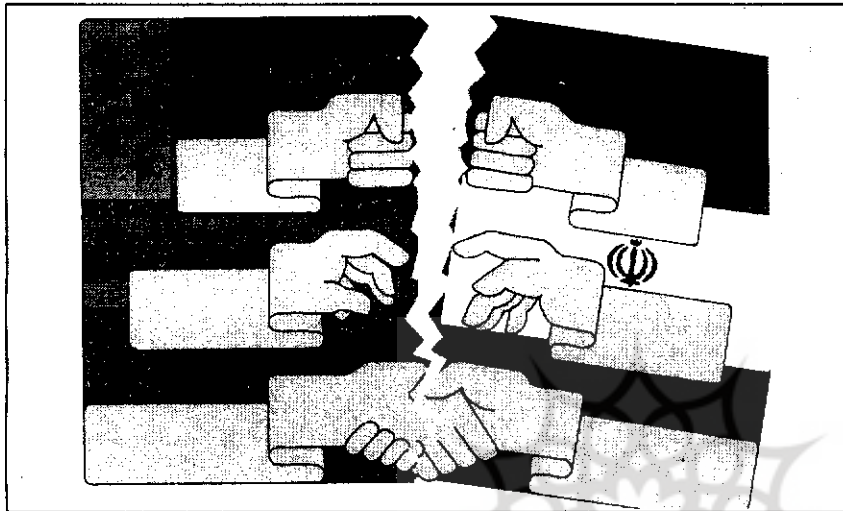
آقای بهزاد نبوی از طرف ایران، و آقای وارن کریستوفر از طرف دولت امریکا به طور جداگانه مبادرت به امضای بیانیه‌ها کردند. در بیانیه کلی، هر دو کشور تعهداتی در خصوص:

الف) روابط آینده خود، شامل تعهد امریکا به عدم مداخله در امور داخلی ایران،

ب) آزاد شدن کارکنان سفارت امریکا در تهران.

فنی اجرایی، نظیر سند تعهدات^(۴۲) موافقتنامه اسانی،^(۴۳) و ترتیبات فنی^(۴۴) همراه بود که بحث از جزئیات آنها خارج از منظور و حوصله نوشته حاضر است.

۹- دلیل اصلی غیرعادی و غیرمعمول بودن شکل بیانیه‌های الجزایر، غیرعادی بودن اوضاع و احوال و شرایطی بود که در آن و به خاطر آن بیانیه‌های الجزایر، منعقد گردید. بیانیه‌ها در شرایطی که فشار کمبود



وقت و فشارهای سیاسی از دو طرف برگزیده دست‌اندرکاران و مسئولین تهیه آنها سنگینی می‌نمود، شکل گرفت. طرفین این معاهده هرگز همدیگر را مستقیماً ملاقات نکردند و کلیه مذاکرات آنان از طریق دولت الجزایر صورت گرفت.

پس از مرگ شاه سابق و به قول امریکایی‌ها «پس از برطرف شدن علت و انگیزه اصلی تسخیر سفارت امریکا»^(۴۵) مجلس شورای اسلامی که مسئولیت پایان دادن به پرونده گروگانگیری به آن محول شده بود. در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۵۹ برابر با ۲ نوامبر ۱۹۸۰ در جلسه ۶۳ دوره اول مجلس، برای ختم موضوع، اجرای چهار شرط توسط دولت امریکا را پیش‌بینی و تصویب نمود. به موجب چهار شرط مذکور، دولت امریکا می‌بایست تعهد می‌کرد که اولاً از آن تاریخ به بعد در امور داخلی ایران دخالت نکند، ثانیاً اموال و دارایی‌های ایران را آزاد و

رها کردن دارایی‌های ایران به عهده گرفتند. در بیانیه دوم، یعنی بیانیه حل و فصل دعاوی، ایجاد دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده پیش‌بینی شده بود و مقرراتی نیز در خصوص صلاحیت دیوان، شیوه گزینش داوران، انتخاب مقررات و اصول قابل اعمال و موضوعات مربوط به آیین داوری در آن گنجانده شده بود.

به دلیل شکل بی سابقه و منحصر به فرد بیانیه‌های الجزایر تصور می‌شود که بتوان آن را نوعی "قرارداد یک - دو جانبه"^(۴۱) نامید، یک جانبه، چون هریک از طرفین به طور یک جانبه اجرای تعهداتی را در قبال طرف دیگر اعلام نمودند و دو جانبه، زیرا هر دو طرف (هر چند به طور جداگانه) با تعهدات طرف دیگر نسبت به خود موافقت کرده و به صورت متقابل خود را موظف به اجرای تعهداتی در قبال طرف دیگر نمودند.

بیانیه‌های الجزایر با تعدادی موافقتنامه

در اختیار ایران قرار دهد، ثالثاً کلیه مجازات‌ها و تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه ایران و دعاوی مطروحه علیه ایران را لغو نموده و مسؤولیت مالی دعاوی علیه ایران را بپذیرد و رابعاً دارایی‌های شاه و خویشان نزدیک او را به ایران بازگرداند. در عوض، ایران هم به تدریج و طی مدتی که ایالات متحده شرایط مندرجه را اجرا می‌کند، جاسوسان آمریکایی را آزاد خواهد نمود.

راه حل مصوب مجلس شورای اسلامی، اولین موضع رسمی ایران در قبال موضوع مورد بحث بود. بعد از آن با وساطت و میانجیگری دولت الجزایر، ایران و ایالات متحده مذاکرات خود را شروع کردند. امریکا مقدماً با اصل درخواستهای ایران موافقت کرد و بلافاصله معاون وقت وزارت خارجه آن کشور، وارن کریستوفر - به اتفاق گروهی از مشاوران خود شروع به آماده نمودن پاسخ ایالات متحده به راه حل مجلس شورای اسلامی نمود. (۴۶) کمیته‌ای نیز به سرپرستی وزیر مشاور در امور اجرایی آن زمان، آقای بهزاد نبوی به منظور پرداختن به جنبه‌های مختلف مسأله گروگانها در اداره نخست‌وزیری تشکیل شد.

در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۵۹ (۳ نوامبر ۱۹۸۰) متن رسمی مصوبه مجلس به دو زبان فارسی و انگلیسی، تحویل سفیر الجزایر در واشنگتن گردید و او هم آن را به وزارت خارجه امریکا ارسال نمود. در ۱۹ آبان (۱۰ نوامبر)، آقای کریستوفر به الجزایر سفر کرد تا اولین پاسخ امریکا به مصوبه مجلس را تحویل داده، در خصوص جزئیات آن توضیحات لازم را به نمایندگان الجزایری بدهد تا آنان آمادگی پاسخ به سؤالات مسؤولین ایران را داشته باشند. (۴۷)

موضوع دولت ایالات متحده در خصوص هر یک از شروط مندرج در مصوبه مجلس، به صورت یک اظهاریه کلی و به عنوان پاسخ رسمی دولت امریکا تهیه

شده بود. بلافاصله یک هیأت عالی‌رتبه الجزایری، الجزایر به قصد تهران ترک کردند و در تاریخ ۲۱ آبان ماه پاسخ دولت امریکا و جزئیات امر را در اختیار مسؤولین ایرانی قرار

دادند. در جلسه‌ای که تاریخ اول آذرماه برابر با ۲۲ نوامبر در تهران تشکیل شد، کمیته آقای نبوی از الجزایری‌ها خواست که به چند سوال ایران توسط ایالات متحده پاسخ داده شود. در ۵ آذر (۲۶ نوامبر)، مسؤولان ایرانی نظرهای خود را در دو قسمت جداگانه تسلیم الجزایری‌ها کردند. در قسمت اول از امریکا خواسته شده بود که درخصوص پنج مورد، اطلاعات لازم را در اختیار ایران قرار دهد:

- ۱) درخصوص کلیه دعاوی حقوقی مطروحه در دادگاههای امریکا علیه ایران.
- ۲) درخصوص کلیه اقدامات تهاثری و امها که توسط بانکهای امریکایی صورت پذیرفته.

بسیاری از حقوقدانان ایرانی نیز معتقدند که ایران تاکنون در صحنه بین‌المللی، از لحاظ حقوقی، با چنین امر عظیمی (در رابطه با مسائل متعدد حقوقی در خصوص حل و فصل اختلافات با یک کشور خارجی) مواجه نشده است

- ۳) فهرست دارایی‌های موجود ایران در بانکهای امریکا یا خارج از آن کشور.
- ۴) میزان و مبلغ تمامی دارایی‌های دولت ایران و اموال غیرمنقولی که نزد شرکتهای امریکایی یا افراد خصوصی در داخل یا خارج آن کشور قرار داشت.
- ۵) جمع‌آوری احکام صادره از امریکایی‌ها پاسخ دادند که برخی اطلاعات مالی قبلاً تهیه و در اختیار الجزایر قرار داده شده است و کلیه اطلاعات لازم باید در اختیار مقامات ایرانی یا وکلای آنها در ایالات متحده قرار داشته باشد. (۴۸)

در چارچوب بیانیه‌های الجزایر، طرفین توافق کردند که حسابی امانی در یک بانک مرکزی مورد قبول طرفین، افتتاح نمایند تا بانک مذکور به عنوان نماینده حساب امانی عمل کند.

قسمت دیگر نظریات ایران پیرامون پاسخ ایالات متحده، نیز در تاریخ ۲۶ نوامبر توسط الجزایری‌ها تحویل وزارت خارجه امریکا گردید. در اظهار نظر ایران، پاسخ امریکا پیشنهادی جدید و مبهم خواننده شده بود. در همان جا از امریکا خواسته شد که به طور واضح و روشن اعلام کند که آیا با شرایط مشخص و معین مندرج در مصوبه مجلس موافق هستند یا خیر؟

آقای کریستوفر و گروه همراهش در ۱۱ آذر (۲ دسامبر) به الجزایر بازگشتند و دومین پاسخ ایالات متحده را تسلیم الجزایری‌ها کردند. این پاسخ توسط فرستادگان الجزایری در ۱۳ آذرماه (۴ دسامبر) در تهران در اختیار ایران گذاشته شد. (۴۹) در ۱۹ دسامبر، ایران خواست که ایالات متحده یک تضمین ۲۴۰ میلیارد دلاری به ایران بدهد. (۵۰)

پاسخ تجدیدنظر شده ایالات متحده که در ۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ (۳۰ دسامبر ۱۹۸۰) تسلیم الجزایری‌ها شد، حاوی یک راه‌حل سه مرحله‌ای بود.

اول) - استتقال ۲/۵ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران از فدرال رزرو به یک حساب امانی خارجی، همزمان با رهایی گروگانها.

دوم) - آزاد نمودن سه میلیارد از ۴/۸ میلیارد موجودی ایران نزد شعب خارجی بانکهای امریکایی.

سوم) - تأسیس یک دیوان بین‌المللی برای رسیدگی به ادعاهای موجود نسبت به سایر دارایی‌های ایران.

در ۱۷ دی (۷ ژانویه ۱۹۸۱)، آقای کریستوفر و گروه وی برای تبادل نظر بیشتر

به الجزایر پرواز کردند. در آنجا الجزایری‌ها مساعدت لازم را در تهیه جزئیات نهایی و پیشرفت اجرای تریاتی که طرفین پیشنهاد کرده بودند به عمل آوردند.^(۵۱) بانک انگلیس توسط طرفین بعنوان بانک مرکزی انتخاب شد تا حساب امانی به نام بانک مرکزی الجزایر نزد آن بانک افتتاح گردد و در ۲۲ دی (۱۲ ژانویه)، از مجلس شورای اسلامی تقاضا شد که به دولت اجازه ارجاع اختلافات ایران و ایالات متحده به داوری را اعطا کند.

سرانجام در ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ برابر با ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱، ایران و ایالات متحده به توافق دست یافتند و توافق آنها بوسیله دولت الجزایر به شکل دو بیانیه اعلام گردید.

۱۰- با اینکه غالب حقوقدانان معتقد بودند که اسناد الجزایر تشکیل دهنده تعهدات بین‌المللی معتبر بین دو کشور است.^(۵۲) با اینکه ایرانی‌ها نظر خود را تأمین شده و بیانیه‌ها را دربرگیرنده چهار شرط مجلس می‌دانستند و امریکاییان راضی بودند که بیانیه‌ها تأمین‌کننده منافع آنهاست، زیرا از جمله دربردارنده مقرراتی در خصوص حل و فصل دعاوی خواهانهای امریکایی است.^(۵۳) مع ذلک پس از امضای بیانیه‌ها، بحث‌های بسیاری صورت گرفت و اعتبار بیانیه‌های الجزایر مورد سؤال واقع گردید. بسیاری از نویسندگان امریکایی اظهار عقیده نمودند که بیانیه‌های الجزایر به علت این که تحت اجبار امضا شده فاقد اعتبار است و از سوی آمریکا نباید اجرا گردد.^(۵۴) در هر حال از آنجا که این ادعاها داخل در مفاهیم مورد نظر کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد قراردادهای تلقی نشد و بعد هم بیانیه‌ها از طرف رئیس‌جمهوری آمریکا تأیید و تنفیذ گردید.^(۵۵) دیگر به نظر نمی‌رسد بحث از نظریات مخالف و موافق مذکور ارزش حقوقی چندانی داشته باشد.

اسناد الجزایر معاهده دو جانبه‌ای

است^(۵۶) که طی آن ایران و آمریکا تعهدات معینی را نسبت به یکدیگر به عهده گرفتند. نام این اسناد و ایرادات وارده به شکل و تشریفات حقوقی آنها، بهیچ وجه آنها را از شمول معاهدات بین‌المللی خارج نمی‌کند.^(۵۷) نویسندگان و حقوقدانان بین‌المللی، در بحث از بیانیه‌های الجزایر مکرراً اشاره کرده‌اند که بیانیه‌ها دارای مشخصات و ویژگی‌های بی‌نظیر متعددی است. از جمله این اشارات نکاتی است که یک حقوقدان امریکایی مورد توجه قرار داده است. وی می‌نویسد: اولاً این اولین بار بود که مدعیان خصوصی علیه یک کشور خارجی به یک دیوان داوری بین‌المللی مراجعه می‌کردند.^(۵۸) ثانیاً اولین بار بود که یک موافقتنامه بین‌المللی برای حل و فصل دعاوی در اوج عدم توافق میان دو کشور در هر حال منازعه مورد مذاکره واقع می‌شد؛ حال آنکه معمولاً مذاکره برای نیل به موافقت نامه‌هایی از این قبیل، پس از کاهش خشم و غضب سیاسی و عادی شدن روابط انجام می‌گیرد. نهایتاً اسناد الجزایر باعث گردید که تنش میان دو کشور ایران و ایالات متحده در مدت بسیار کوتاهی شدت اولیه خود را از دست بدهد.^(۵۹)

بسیاری از حقوقدانان ایرانی نیز معتقدند که ایران تاکنون در صحنه بین‌المللی، از لحاظ حقوقی، با چنین امر عظیمی (در رابطه با مسائل متعدد حقوقی در خصوص حل و فصل اختلافات با یک کشور خارجی) مواجه نشده است.^(۶۰) تنوع مطالب، پیچیدگی مسائل، بی سابقه بودن بسیاری از مسائل حقوقی، از مسائلی است که تقریباً تمام حقوقدانان ایرانی و امریکایی و حقوقدانان کشورهای دیگر که به طریقی با پرونده‌های مطروحه نزد دیوان داوری در رابطه با بیانیه‌های الجزایر، سروکار دارند، بدان اعتراف کرده‌اند.

ادامه دارد

پی‌نوشت:

۱- نگاه کنید به:

Norton, Joseph Jude and Collins, Michael H. Reflections on the Iranian Hostage Settlement. A.B.A.J., Vol.67, April 1, 1981, p.429.

۲- در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ۱۳۵۸)، رئیس‌جمهور وقت آمریکا با استناد به قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی (Emergency Economic Powers Act) یک دستور اجرایی (شماره ۱۲۱۷۰) برای بلوکه نمودن تمامی دارایی‌ها، منافع دارایی‌های دولت ایران و سازمانها و شرکت‌های تابعه و بانک مرکزی ایران که در قلمرو صلاحیت آن کشور قرار داشتند و یا این که در اختیار یا در کنترل اشخاص تابع صلاحیت ایالات متحده بودند یا به کنترل آنها در می‌آمدند، صادر کرد. متعاقب آن اداره نظارت بر اموال خارجی وزارت خزانه‌داری مقررات مربوط به نظارت بر اموال ایران را تهیه نمود. طبق این مقررات "غیر از مواردی که اجازه یا اختیار داده شده، هرگونه توقیف، حکم، قرار، حبس، اجرا تأمین و سایر اقدامات قضایی در رابطه با اموالی که ایران در آن متناهی داشت، کسب‌نم یکن، اعلام گردید. (31 C.F.R., NO.533, 203 (E), 1980). مقررات خزانه‌داری، دولت ایران، سازمانهای دولتی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را از انتقال و استرداد سپرده‌های دلاری خود نزد بانکهای تجاری ایالات متحده در آمریکا و شعب و شاخه‌های فرعی آنها در خارج از آمریکا، بدون اجازه اداره خزانه‌داری منع می‌کرد. مقررات مورد اشاره، همچنین اقدامات قضایی شامل تأمین خواسته در رابطه با اموال بلوکه شده‌ای که ایران یا شرکت‌های ایرانی متناهی در آن داشتند را اجازه می‌داد، ولی اجازه و اختیار صدور حکم، پرداخت از اموال بلوکه شده بر اساس اقدامات قضایی و یا اجرای احکام و قرار نسبت به اموال مسدود شده را نمی‌داد. برای بحث بیشتر در این مورد از جمله نگاه کنید به:

Gordon, E, and Lichtenstein, C., The Decision to Block Iranian Assets, Reexamined, op.cit. Note 3, p.161. Dang, Khai-Minh, prejudgment Attachment of Frozen Iranian Assets Calif.L.Rev., Vol.LXIX, 1981, P.837. Chinkin, Christine, The Foreign Affairs Powers of the U.S. President and the Iranian Hostages Agreement: Dames and Moore V. Reagon, op.cit. Note 3, p.606; Edwards, R.W., Extraterritorial Application of the U.S. Iranian Assets Control Regulations, below Note 3, pp.870-873; Hoffman, John E.Jr., The Iranian Assets Litigation, op.cit. Note 3, pp.339-342; Fearon, R., Asset Freeze, United States Blocks Iranian Assets, op.cit. Note 33, p.523.528; Root, Anthony, Settlement of the Iranian Hostage Crisis: An Exercise of Constitutional and Statutory Executive Prerogative in Foreign Affairs, Int'l Law & Politics, Vol.13, 1981, pp.997-999.

۳- اوئن (Owen)، مشاور حقوقی وزارت خارجه آمریکا معتقد است که توقیف گروگانها حق اخذ تاوان و غرامت

and Statutory Executive Prerogative in Foreign Affairs, op.cit. Note 29, pp.997-1001, and 1027-1029; Norton, Joseph J. and Coins, M.H., Reflections on Iranian Hostage Settlement, op.cit. Note 28, pp.429-430; Trooboff, Peter D., Implementation of the Iranian Settlement Agreements-Status, Issues, and Lessons: View From the Private Sector's Perspective, Private Investors Abroad, Problems and Solutions in Int'l Bus. 1981, pp.106-117.

۲۶- Aksent, Gerald. The Iran-US Claims Tribunal and the UNCITRAL Arbitration Rules-an early comment, The Art of Arbitration, Kluwer Law and Publishers, Deventer/Netherlands, 1982, p.1.

۲۷- بیانیه کلی، اصل ب.
 ۲۸- به عنوان یکی از بلندپروازانه ترین تلاشها در داوری بین المللی که تا به حال صورت گرفته، دیوان خود را آماده کرده تا در برابر و برغم وخامت روابط سیاسی دو جانبه ایران و آمریکا، با موفقیت انجام وظیفه کند، این مطلب را یک نویسنده آمریکایی در سال ۱۹۸۲ در مورد دیوان داوری بیان نمود. نگاه کنید به:

Stewart, David, P., The Iran-United States Claims Tribunal: A Review of Developments 1983-84, Law & Pol'y Int'l Bus., Vol. 16, No.3, 1984, p.678.

نویسنده دیگری هم نوشت که دیوان داوری نمایانگر یکی از بلندپروازانه ترین و پیچیده ترین برنامه های داوری وحل و فصل دعاوی بین المللی است که تا به حال به اجرا درآمده است.

Robinson, David R., Recent Developments at the Iran-United States Claims Tribunal, The Int'l Law., 1982, p.661.

۲۹- برای عنوان کامل و متن بیانیه ها از جمله رجوع کنید به: مجله حقوقی، شماره اول، زمستان ۱۹۶۳، ص - ۲۴۰ - ۲۶۲

۳۰- حدود ۴۰۰ دعوی، بنا به قولی، تا آوریل ۱۹۸۱ علیه دولت و سازمانهای دولتی ایران به ثبت رسیده بود. براساس همان گفته، بیشتر خواهانها تقاضای توقیف حسابهای بانکی و اموال ایران را نموده بودند. برآورد شده که تقریباً ۲۵۰۰ دعوی علیه ایران وجود دارد ولی تنها ۱۵ درصد از آنها به ثبت رسیده است. مثلاً غالب شرکتهای بزرگ نفتی کار را به طرح دعوی در دادگاه نکشانند... نگاه کنید به:

Norton and Collins, Reflections on the Iranian Hostage Settlement, op.cit Note, P.432. See also Howard C.S., Implications of the Iranian Assets Case for American Business, The Int'l Law., 1982, p.129.

در جایی دیگر نیز گفته بودند که بعد از سال ۱۹۷۸، دولت ایران با بیش از ۶ هزار دعوی چه در دادگاه و چه در داوری ها مواجه بوده است. اکثریت دعاوی بوسیله شرکتهای آمریکائی مطرح شده بود ولی صدها دعوی هم توسط شرکتهای اروپایی و ژاپنی اقامه گردیده بود. ارزش کل خواسته این شش هزار دعوی از ۶۵ میلیارد دلار تجاوز می کرد.

Banking, Finance and Urban Affairs, 97th Cong., 1st sess., Report on Iran: The Financial Aspects of the Hostage Settlement Agreement 12-14 (Comm, Print 1981).

۱۰- Fearon, R., Assets Freeze, United States Blocks Iranian Assets, op.cit Note 29, p.528
 ۱۱- Carswell, Robert. Economic Sanctions and the Iran Experience. Foreign Affairs, Fall 1981, pp.259-260; Owen, R.B., The Blocking of Iranian Assets-Some Legal Implications in the United States and Abroad, op.cit. Note 8, p.373; Hoffman, J.E., Jr., The Iranian Assets Litigation, op.cit. Note 3, pp.364-365.

۱۲- در زمانی که نفت ایران توسط دولت آمریکا و انگلیس تحریم شد، دولت روسیه هم با مشکلات اقتصادی ایران با سردی برخورد نموده و به ایران پشت کرد. نگاه کنید: فرامرز فاطمی، اتحاد جماهیر شوروی در ایران، ۱۹۸۰، (متن انگلیسی) صفحه ۱۸۶.

۱۳- بیانیه کلی، مواد ۲ و ۳ بند ۲.
 ۱۴- بانک انگلیس به عنوان بانک مرکزی برای نگهداشتن حساب امانی به نام بانک مرکزی الجزایر انتخاب شد.

۱۵- بیانیه کلی بندهای ۳ و ۴.

۱۶- همانجا، بند ۵.

۱۷- همانجا، بند ۶.

۱۸- همانجا، بندهای ۷ تا ۹.

۱۹- دارائی های ایران که توسط آمریکا بلوکه یا مسدود شده بود را ۱۲ میلیارد دلار برآورد کرده بودند. برای جزئیات از جمله نگاه کنید به:

Carswell R., Economic Sanctions and the Iran Experience. Foreign Affairs, Fall 1981, p.248.

۲۰- ۱/۴ میلیارد دلار اوراق بهادار و ۹۴۰ میلیارد دلار طلا نزد فدرال رزرو بانک نیویورک وجود داشت.

۲۱- سپرده های ایران و سود متعلق به آنها ۵/۵ میلیارد دلار بود.

۲۲- وجوه طبقه (الف) و (ب) به مبلغ ۷/۹ میلیارد دلار در سه نوبت به ایران پرداخت شد. ۲/۹ میلیارد مستقیماً به ایران منتقل گردید، ۳/۷ میلیارد دلار به بازپرداخت وامهای سندیکایی که بانکهای آمریکایی در آن مشارکت داشتند، اختصاص یافت و ۱/۴ میلیارد هم در یک حساب امانی نگهداشته شد تا زمانی که کلیه ادعاهای آتی بانکی حل و فصل گردد.

۲۳- وجوه سپرده ایران نزد بانکهای ایالات متحده ۲/۲ میلیارد دلار بود. از این مبلغ، ۱/۲ میلیارد دلار مستقیماً به ایران پرداخت گردید و یک میلیارد دلار هم به یک حساب امانی منتقل شد تا از طریق آن دیوان دعاوی ایران- ایالات متحده بتواند آرا صادره خود علیه ایران را اجرا نماید.

۲۴- اموال مختلف ایران، اعم از دارایی های نقدی و غیرنقدی نزد اشخاصی غیر از بانکها، ۱/۲ میلیارد دلار برآورد شده بود.

۲۵- برای بحث بیشتر درخصوص دارایی های ایران، از جمله نگاه کنید به:

Root, Anthony, Settlement of the Iranian Hostage Crisis: An Exercise of Constitutional

مادی را به ایالات متحده داد و انسداد دارایی های ایران گامی به سمت تأمین پرداخت واقعی چنین غرامتی در زمان مناسب بود. بنابراین انسداد، یک اقدام خود کمک کننده (Self-help Measure) و برای کسب دو غرامت کاملاً مختلف بود. یکی رهایی عادلانه (یعنی خاتمه دادن به ادامه نگهداری کارکنان سفارت آمریکا) و دیگری خسارات مالی.

The Blocking of Iranian Assets, Some Legal Implications in the United States and Abroad, op.cit. Note 8, P.371.

۴- از جمله دلایل اثبات این واقعیت این است که تحقیق حقوقی در مورد دارایی های ایران و جمع آوری اطلاعات درباره دارایی ها و تعهدات ایران از فوریه ۱۹۷۹، یعنی از همان ماه اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شروع شد. رجوع کنید به:

Gordon, E. and Lichtenstein, C., Trends: The Decision to Block Iranian Assets-Re-examined, op.cit. Note 4, pp.166-167.

۵- این نویسندگان اظهار می دارند که ایران کارمندان سیاسی آمریکا را به گروگان گرفت، دولت آمریکا هم ۱۰ میلیارد دلار از دارایی های ایران را به گروگان نگهداشت نگاه کنید به:

See Owen, Roberts B., The Blocking of Iranian Assets, op.cit. Note 8, p.371; Gordon, Edward, Trends: The Blocking of Iranian Assets, Int'l Law. 1980, p.660; Chinkin, Christine, The Foreign Affairs Powers of the U.S. President and the Iranian Hostages Agreement: Dames and Moore V. Regan, Int'l & Comp. L.Q., Vol. 32, July 1983, p.606.

(نویسنده اخیرالذکر، ضمن اینکه مسدود نمودن دارائی های ایران را به تسخیر سفارت آمریکا که ده روز قبل از آن صورت گرفته بود ارتباط می دهد، اظهار می دارد که علت اولیه و سبب بلافصل انسداد ترسی بود که دولت آمریکا از خارج شدن کلی و یکجای همه دارائی های ایران از ایالات متحده که موجب بحران اقتصادی در آن کشور می شده داشت.

Edwards, Richard W., Jr., Extraterritorial Application of the U.S. Iranian Assets Control Regulations, Am.J. Int'l L., Vol. 75, 1981 p.870. Marks, L.R. Grabow, J.C., the President's Foreign Economic Powers After Dames & Moore V. Reagan Legislation by Acquiescence, Cornell L.Rev., vol. 68, No. 1, Nov. 1982, p.71-72. 6- New York Times, Nov. 15, 1979, A1, Col. 6., quoted by Fearon, Richard, Asset Freeze-United States Blocks Iranian Assets, Harv. Int'l L.J., Vol. 21, 1980, p.528.

۷- همان منبع.
 ۸- رجوع کنید به:

Gordon and Lichtenstein, Trends: The Decision to Block Iranian Assets Reexamined, op.cit. Note 3, pp.166-167.

۹- See 50 U.S.C. § 1701 (a) (Supp. III 1979); and also Report Staff of House of Comm. on

International Law & United States Policy, op.cit Note, pp.75-80.

۵۱- در مورد پیشرفت حقوقی مذاکرات از دیدگاه امریکایی‌ها، از جمله نگاه کنید به:

Transcript of a Conference on the Settlement with Iran, held at the University of Miami, School of Law (March 1981), Law. Am, Vol.13, No.1, Spring 1981, pp.19-21.

۵۲- Norton and Collins, Reflections, on the Iranian Hostage Settlement op.cit., Note 28, p.429.

همچنین نگاه کنید به احمدی و استانی، دکتر عبدالغنی، شرح بیانیه‌های الجزایر، بخش تحقیقات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۱، صفحه ۲ به بعد.

۵۳- همان منبع، صفحه ۲۲۹.

۵۴- برای این قبیل بحثها رجوع کنید به:

Redwine, J.M., The Effect of Duress on the Iranian Hostage Settlement Agreement, op.cit Note 4, pp.851-890; Cohen, S., Krueger, K.G., Lindberg, M.E., Martin, M.E., Samuels, J.F., The Iranian Hostage Agreement Under International and United States Law, Colum.L.Rev., Vol.81: 822, 1981, pp.892-893; Feldman, M.B., Implementation of the Iranian Claims Settlement, op.cit Note pp.78-79; and Budros, B.D., The Former American Hostages' Human Rights Claims Against Iran: Can They be Waived, Hous.J.Int'l L.Vol.4, No.1, Autumn 1981, pp.101-131.

۵۵- Norton and Collins, Reflections, op.cit, Note 28, p.429, See also, Discussion in the U.S-Iranian Hostage Settlement, below Note 76, pp.243-244.

۵۶- بیانیه‌های الجزایر به عنوان یک "معاهده بین‌المللی طبق حقوق ملتها" نیز خوانده شده است. نگاه کنید به:

Hardenberg, L. The Awards of the Iran-U.S.Claims Tribunal, Int'l Business Lawyer, Sep.1984, p.337.

۵۷- این باور هم قابل ذکر است که بیانیه‌های الجزایر، معاهده صلح است که پس از اعلام جنگ امریکا علیه ایران از طریق استفاده از نیروهای مسلح در حمله ناموفقش به صحرای طیس در سال ۱۳۵۹ و پس از تسخیر سفارت آن کشور، منعقد گردید.

۵۸- البته در گذشته تمایلاتی نسبت به آزادی بیشتر اشخاص خصوصی که خواستار شرکت در دعاوی که طرف دیگر آن دولتها یا سازمانهای بین‌المللی هستند، به عنوان یک طرف دعوی وجود داشته است، مثلاً در دهه‌های اخیر این موضوع به طور کامل توسط کنوانسیون ICSID مورد شناسایی قرار گرفته است.

۵۹- The U.S. Iranian Hostage Settlement, proceedings of the 75th Anniversary Convocation (Reporter: Ristau, B.), Am. Soc'y Int'l L., Washington, April 23-25 1981, p.236.

۶۰- احمدی و استانی، دکتر عبدالغنی، شرح بیانیه‌های الجزایر، بالا، پانویس ۷۹، ص ۳.

بود که فقط آن دسته از دعاوی که دیوان نسبت به آنها تصمیم نهایی اتخاذ می‌کرد، خاتمه می‌یافتند. اگر دعوائی داخل در صلاحیت دیوان قرار نمی‌گرفت با بطور نهائی مورد تصمیم واقع نمی‌شد، احتمال به جریان افتادن مجدد آن در دادگاههای امریکا وجود داشت. از این رو، دستور مذکور از سوی ایران در تعارض با ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی که می‌گوید: "ادعاهایی که به هیئت داوری ارجاع می‌شود، از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داوری، خارج از صلاحیت قضایی دادگاههای ایران و ایالات متحده یا هر دادگاه دیگر خواهد بود"، و به عنوان یکی از موارد نقض بیانیه‌های الجزایر توسط دولت امریکا، در پرونده الف ۱۵ (پرونده مربوط به تخلفات مورد اعتراض قرار گرفت.

۳۸- بیانیه کلی، اصل ب، بیانیه حل و فصل ماده (۲)۷، برای بحث بیشتر رجوع کنید به:

Howard, C.S.Implications of the Iranian Assets Case for American Business, above Note 57, pp.129-134

۳۹- بیانیه حل و فصل ماده (۱)۲- برای متن لایحه قانونی راجع به حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت امریکا رجوع کنید به مجله حقوقی، شماره اول، ص ۲۳۹.

۴۰- باید توجه داشت که در یک معاهده چند جانبه، دولتی که امضا کننده اصلی نیست، می‌تواند به آن معاهده پیوسته و در هر حال روابط معاهداتی و قراردادی میان کشورها با پیوستن جمعی آنها به یک متن مستقل مدون، به وجود می‌آید ولی بیانیه‌های الجزایر معاهده چند جانبه نبوده، زیرا روابط معاهداتی و قراردادی، نخست توسط ایران و ایالات متحده با میانجیگری دولت الجزایر به وجود آمد و دولت اخیرالذکر فقط روابط مذکور را اعلام نمود و بعد دولتی ایران و امریکا به آن پیوستند.

۴۱- Uni-bilateral Agreement

۴۲- تمهیدات دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ژانویه ۱۹۸۰، برای متن رجوع کنید به: کتاب اول، از مجموعه اسناد و مدارک رسمی در ارتباط با دعاوی بین‌المللی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۱، ص ۱۹ به بعد.

۴۳- برای متن کامل موافقتنامه امانی رجوع کنید به همان مرجع ص ۲۲ به بعد.

۴۴- ترتیبات فنی بین بانک مرکزی الجزایر به عنوان نماینده اسانی و رئیس و شرکت بانک انگلیس و بانک فدرال روزنیویورک به عنوان نماینده مالی ایالات متحده، مورخ ۳۰ دی ماه ۱۳۵۹ (۲۰ ژانویه ۱۹۸۱)، برای متن کامل رجوع کنید به: همان مرجع ص ۳۰ به بعد.

۴۵- نگاه کنید به: جلسات استماع کمیته روابط خارجی سنای امریکا درخصوص قراردادهای ایران، کنگره نمود و هفت، جلسه اول، ۱۷ و ۱۸ فوریه و ۲ مارس ۱۹۸۱، چاپخانه دولت امریکا، واشنگتن، ۱۹۸۱ ص ۱۹.

۴۶- همانجا، ص ۲۱.

۴۷- همانجا، همچنین نگاه کنید به:

۴۸- همانجا، ص ۲۲.

۴۹- همانجا

۵۰- Norton and Collins, Reflections, op.cit Note 28, p.432 For chronology see also, Terry, Maj or James p., The Iranian Hostages Crisis:

Amin, S.H., Iran-United States Claims Settlement, Int'l & Comp.L.Q., Vol.32, London, 1983, p.750.

۳۱- نمونه برخی از آن دعاوی و مبنای حقوقی آنها بدین شرح است: ردینگ اند پاینز کورپوریشن علیه شرکت ملی نفت (۱۹۷۹) (ضبط دکل نفتی)، بهرینگ اینترنشنال علیه نیروی هوایی (۱۹۷۹) (تصور در پرداخت بهای خدمات)، شیکاگو بریج اند ایرن کمپانی علیه جمهوری اسلامی ایران (۱۹۸۰) (نقض قرارداد، ضبط تجهیزات و مصادره وجوه)، امریکن اینترنشنال گروپ (۱۹۸۰) (مصادره شرکت بیمه نامه)، ای سیستمز (۱۹۸۰) (تصور در پرداخت دستمزد اصلاح، تعمیر و تجهیز دو فروند هواپیما).

Iran's Foreign Military Sales Trust Fund

۳۳- طبق قانون ۱۹۷۶ مصونیت دولتهای خارجی (The American Foreign Immunities Act (FSIA))، فصل ۱۶۰۵، یک دولت خارجی هنگامی که از حق مصونیت خود صرف‌نظر کرده باشد یا ادعا بر فعالیت تجاری که با ایالات متحده ارتباط پیدا می‌کند، مبتنی باشد، تابع صلاحیت قضائی ایالات متحده خواهد بود، برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به:

Cox, J.Clifton, Sovereign immunity-Iranian Immunity from Prejudgment Attachments Terminated Under International Emergency Economic Powers Act, Vand.J.Transnat'l L., Vol.14, No.1, Winter 1981, pp.623-635; Buchman, Seth, The Question of Iran's Immunity: Jurisdiction Over A Foreign Sovereign, Brooklyn J.Int'l L., Winter 1981, pp.41-72;

۳۲- بسیاری از این دعاوی بعدها به عنوان ادعای متقابل در دعاوی مطروحه در دیوان داوری و هم منشاء با آنها طرح گردید.

۳۵- نگاه کنید به:

Hoffman, J.E., Jr., The Iranian Assets Litigation, op.cit.Note 3, pp.343-359; Edwards, Richard W.Jr., Extraterritorial Application of the U.S.Iranian Assets Control Regulations, op.cit.Note 32 pp.876-881.

۳۶- برای بحث درخصوص مسائلی از قبیل اینکه آیا دولت امریکا حق اعمال صلاحیت نسبت به شعب خارجی بانکهای امریکائی را دارد و آیا این عمل تخلف و نقض حاکمیت ملی کشورهایی که در آنجا شعب مذکور فعالیت دارند، نیست؟ از جمله نگاه کنید به:

New York Times, Friday, November 16, 1979; Financial times, November 16, and 19 and also see, in general, Edwards, R.W., Extraterritorial Application on the U.S.Iranian Assets Control Regulations, op.cit.Note 32 pp.870-900.

۳۷- قابل ذکر است که در رابطه با "خاتمه" دادن (To terminate) به دعاوی، رئیس جمهوری ایالات متحده دستور اجرائی شماره ۱۲۲۹۴ را در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۱ صادر کرد و در آن به جای ختم دعاوی در دادگاههای امریکا، مقرر داشت که کلیه دعاوی که به دیوان داوری تسلیم می‌گردد، به حالت تعلیق درآیند، معنای دستور مذکور این